

بررسی ویژگی‌های قراردادهای بین‌المللی نفتی

مصطفی رضاییان مهر، شرکت ملی صادرات گاز ایران

چکیده

قراردادهای نفتی عموماً جنبه‌ی بین‌المللی دارند و با توجه به تغییرات این قراردادها در اثر تحولات سیاسی و اقتصادی جهان، هر قرارداد از جنبه‌های خاصی حائز اهمیت و مطالعه است. این مقاله قصد دارد با نگاهی اجمالی به جنبه‌های حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفتی، ویژگی‌های هر روش را بررسی کند. به عقیده‌ی نویسنده، قطع نظر از اینکه چارچوب حاضر به کدامیک از سیستم‌های حقوقی عمده تعلق داشته باشد، قراردادهای نفتی باید منافع طرفین را به نحوی عادلانه و متعارف برآورده سازد. این تحقیق درصدد بررسی تغییرات شروط قراردادی به منظور انطباق هر چه بیشتر با منافع طرفین و حفظ تعادل قرارداد بوده و در پایان پیشنهادها و راه‌کارهایی جهت ایجاد توازن و تعادل در قراردادها ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی قراردادهای نفتی، مشارکت در تولید، امتیاز، بیع متقابل

مقدمه

تاریخ تحولات صنعت نفت و گاز در جهان ثابت می‌کند که نفع کشورهای نیازمند انرژی نیز در برقراری توازن و تعادل قرارداد است؛ نه اخذ امتیازات انحصاری طولانی‌مدت. عدم توجه به این مهم در طول تاریخ یک صد ساله‌ی نفت ایران، به شدت بر قراردادهای نفتی بین‌المللی کشور تأثیر گذارده است. حتی در سال‌های پس از انقلاب نیز به دلیل بدبینی به مدل‌های قراردادی امتیازی و مشارکتی از یک سو و نیاز شدید صنعت نفت به جذب سرمایه گذاری خارجی و توسعه‌ی میادین نفت و گاز از سوی دیگر، قوانین و مقررات نفتی تغییرات عدیده‌ای داشته‌اند. در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در بخش صنعت نفت تأکید فراوانی بر افزایش تولید نفت و گاز شده است. بر این اساس، ایران باید

تولیدکننده‌ی ۷ درصد از نفت جهان باشد و تا سال هدف باید ظرفیت تولید نفت خام به هفت میلیون بشکه در روز و ظرفیت تولید گاز به ۹۰۰ میلیون مترمکعب در روز برسد. از جمله ضروری‌ترین ابزار رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز، تدوین و معرفی مدل‌های قراردادی است که هم تأمین‌کننده‌ی منافع کشور باشد و هم در بازار رقابت بین‌المللی، مزیتی نسبی برای تعامل با ایران به شمار رود.

۱- سیستم‌های حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفت

قبل از انعقاد قرارداد، مراحل به‌عنوان نحوه‌ی اعطای قرارداد مطرح می‌گردد اما هنگام عقد قرارداد نکات دیگری در نظر گرفته می‌شود. نوع نفت خام و گاز و نحوه‌ی دستیابی به آنها، عمر پروژه‌های نفتی و

گازی، قیمت منابع هیدروکربنی، فن آوری، مناسبات سیاسی و قوانین حاکم بر کشورهای صاحب ذخایر نفتی و گازی از جمله عوامل مؤثر در ایجاد شکل خاصی از قرارداد هستند. به‌طور کلی یک قرارداد بین‌المللی نفتی در قالب یکی از سه نوع سیستم حقوقی عمده‌ی امتیازی، مشارکتی یا خدماتی تنظیم می‌شود.

۱-۱- سیستم‌های امتیازی

ترتیب امتیازی قدیمی‌ترین روش استفاده شده است. در این روش، شرکت نفتی با دریافت انحصار اکتشاف و استخراج و تحمل مطلق ریسک، مالک نفت در نقطه‌ی سرچاه است و به دولت طرف قرارداد، مالیات و بهره‌ی مالکانه پرداخت می‌کند [۱]. سیستم‌های امتیازی شامل گونه‌های متنوعی از قراردادهای امتیازی است. تا قبل از دهه‌ی

*نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات (rezaianmehr596223@gmail.com)

پایانی جنگ جهانی دوم، از شکل ابتدایی و سنتی این قراردادها استفاده می‌شد و سپس اقسام آن متنوع‌تر شده یا تغییر شکل یافت. قراردادهایی که پس از دهه‌ی ۵۰ میلادی در قالب فرمول تسهیم ۵۰-۵۰ مشهور گردید نیز جزء همین گروه امتیازی است. در حال حاضر در ۱۲۰ کشور جهان فعالیت مشترک شرکت‌های خارجی در چهارچوب قراردادهای امتیازی نوین انجام می‌شود. این نوع امتیازات عمدتاً به اشکالی مانند اعطای اجازت بهره‌برداری، اعطای پروانه بهره‌برداری و اجاره منعقد می‌شود و توافقات کلی متن آنها به شرح زیر است:

- حفاری چاه‌ها تا تاریخ معین
- برگشت مناطق تحت قرارداد به دولت طرف قرارداد در تاریخ معین
- پرداخت بهره‌ی مالکانه
- در نظر گرفتن مواد قانونی برای تعیین مالک نهایی هر یک از میادین کشف شده
- با بررسی نظام حقوقی امتیازهای نفتی نوین درمی‌یابیم که این نظام در چهار محور عمده‌ی مدت زمان، منطقه‌ی امتیازی، تسهیم منافع و برنامه‌ی تولید بسیار متفاوت از شکل سنتی شده است [۲].

۲-۱- سیستم‌های مشارکتی

۱-۲-۱- قراردادهای مشارکت در تولید^۲

بر اساس قراردادهای مشارکت در تولید، دولت صاحب نفت، پروانه بهره‌برداری را به شرکت سرمایه‌گذار نفتی واگذار می‌کند و شرکت نفتی با انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم، تمامی عملیات تولید و بهره‌برداری را به عهده گرفته و حاصل نفت تولیدی که در قرارداد مشارکت قید شده طبق قرارداد میان دولت و سرمایه‌گذار تسهیم می‌شود. در این گونه قراردادهای شرکت خارجی مثل قرارداد امتیازی ملزم به پرداخت مالیات (البته با نرخ کمتر) بوده و بهره‌ی مالکانه اندکی نیز به صاحب مخزن می‌پردازد. در صورت کشف مخزن، مدت قرارداد ۶-۵ سال است و در صورت کشف میدان، مدت قرارداد

معادل عمر میدان (حدود ۴۰-۲۵) سال است. به‌طور کلی ساختار قراردادی مشارکت در تولید به‌شرح زیر است [۳]:

الف) شرکت به‌عنوان عامل دولت میزبان، برای دوره‌ای مشخص و در منطقه‌ای معین فعالیت می‌کند.

ب) شرکت عامل، خطرپذیری و تمامی هزینه‌ها را با شرایط مندرج در قرارداد و نظارت دولت میزبان برعهده می‌گیرد.

ج) هرگونه تولید متعلق به دولت میزبان است؛ اما شرکت عامل مجاز به دریافت بخشی از تولید برای جبران هزینه‌های عملیات و تأمین هزینه‌های توسعه خواهد بود. درآمد شرکت عامل نیز مشمول مالیات بر تولید است.

د) مابقی تولید بر مبنای فرمول توافق شده تقسیم می‌شود.

ه) پس از جبران کامل هزینه‌های توسعه، تمامی سرمایه‌ها به دولت میزبان تعلق می‌گیرد.

و) در مواردی از قرارداد، دولت میزبان معمولاً شرکت عامل را ملزم به بازاریابی سهمیه‌ی نفت تولیدی میزبان و همچنین تأمین نیازهای تکنیکی و آموزشی میزبان می‌کند.

هرچند معمولاً در این گونه قراردادهای حق مالکیت مدنظر نیست اما بعضی دولت‌ها مبلغی را به‌عنوان حق مالکیت مطالبه می‌کنند [۴].

عناصر اصلی قابل‌بحث این گونه قراردادهای سه مؤلفه‌ی جبران هزینه، تقسیم تولید و مالیات است.

جبران هزینه‌ی شرکت عامل از طریق در نظر گرفتن ۴۰-۲۰ درصد از تولید انجام می‌شود. پس از آن شرکت‌ها به سراغ بخش دیگری از تولید که به‌منظور بازگشت سرمایه‌ی شرکت سرمایه‌گذار لحاظ شده می‌روند که معمولاً رقم آن بسته به مقدار تولید تغییر کرده یا ثابت می‌ماند. حق‌السهم دولت میزبان، همان بخشی از تولید و البته متناسب با بزرگی میدان و بازده سرمایه، متغیر است [۵]. به این ترتیب در واقع ترکیب دو گانه‌ی نرخ‌های مالیات و

نرخ تسهیم تولید، سهم واقعی طرفین را تعیین می‌کند. ضمن اینکه نرخ‌های مالیات نیز کمتر از نرخ‌های مالیات قراردادهای امتیازی است. در حال حاضر قراردادهای مشارکت نیز رواج یافته و اخیراً نوع جدیدی از آن با عنوان قراردادهای خدمات‌دهنده‌ی رایج شده است. نوعی از این قراردادها موسوم به مشارکت در سود است که طی آن یک یا چند شرکت سرمایه‌گذار در هزینه‌های عملیاتی تسهیم شده و در پایان عملیات تولید در عوض تسهیم تولید، فقط سود حسابداری حاصل از فروش را میان شرکت‌ها تسهیم می‌کنند. نوع دیگر این قراردادها که بیشتر در قدیم متداول بوده موافقت‌نامه‌های مشارکت در تولید است که طی دهه‌ی ۶۰ میلادی رواج یافت. این قراردادها که معمولاً مخصوص شرایط خطرپذیرند می‌توانند تمام انواع خطر را پوشش دهند یا فقط شامل خطرپذیری دوره‌ی اکتشاف باشند. در صورت عدم کشف نفت و گاز تمامی هزینه‌ها به عهده‌ی شرکت خطرپذیر است. این موافقت‌های مشارکت در تولید بر سه محور اصلی استوار است:

■ اکتشاف؛ که در صورت کشف نفت با مقادیر اقتصادی، ادامه‌ی فعالیت به روش سرمایه‌گذاری مشترک و به‌نسبت سهم هر یک از طرفین امکان‌پذیر است.

■ اداره‌ی فنی و اجرایی عملیات؛ که تنها در مرحله‌ی اکتشاف برعهده‌ی طرف خارجی است. اما در مرحله‌ی بهره‌برداری از منابع، اعمال مدیریت از طریق برنامه‌ای مشترک و مورد توافق طرفین صورت خواهد گرفت.

■ بازاریابی؛ که بر اساس قرارداد هر یک از طرفین سهم خود را برداشت می‌کند. اما چون این کار معمولاً برای کشورهای نفتی دشوار است در متن قرارداد به شرکت خارجی واگذار می‌شود [۶].

۲-۲-۱- قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری^۲

این قراردادها شکل دیگری از قراردادهای مشارکت در تولید است که البته نوع پیشرفته‌تر

آنها محسوب می‌شود. به این معنا که هم دولت میزبان و هم شرکت عامل خارجی در سود و خطرپذیری توافق‌نامه‌های نفتی سهیم هستند و دولت نیز به مثابه یک شریک، در تولید سهیم است و سهم هزینه‌های تولید مربوط به خود را یا مستقیماً به شرکت عامل خارجی می‌پردازد یا از طریق اختصاص سهمی از نفت تولیدی به آن شرکت بازپرداخت می‌کند. دولت علاوه بر مالیاتی که می‌گیرد درصد معینی از سود واقعی این سرمایه‌گذاری را هم به خود اختصاص می‌دهد. محورهای اساسی قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری بر دو پایه استوار است:

■ خطرپذیری اکتشاف که مستقیماً متوجه سرمایه‌گذار است.

■ موافقت بر سر تعیین تولیدکننده که شرکت خارجی تا چه حد و در کدام موارد عملیات می‌تواند بدون اجازه‌ی قبلی دولت میزبان رأساً تصمیم‌گیری کند. چرا که باید جزئیات وظایف شرکت خارجی صراحتاً در موافقت‌نامه‌ای به نام موافقت‌نامه‌ی عملیاتی ذکر شود [۷].

به‌طور خلاصه ویژگی‌های قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد.

■ چارچوب قرارداد بسیار شبیه به قرارداد مشارکت در تولید است.

■ کشور صاحب نفت در سرمایه‌گذاری شرکت می‌کند و این مشارکت دولت میزبان به تناسب توان مالی و تکنیکی آن دولت تعیین شده و حداکثر تا ۵۰ درصد قابل اجراست.

■ دولت میزبان به نسبت سهم خود در خطرپذیری‌ها هم مشارکت می‌کند. با این وجود اکثر اوقات دولت میزبان خطرپذیری مرحله‌ی اکتشاف را از طریق موافقت‌نامه‌ای به شرکت نفتی منتقل می‌کند و خود فقط پس از کشف نفت، مسئولیت سهم هزینه‌ی خود را عهده‌دار می‌شود [۸].

۳-۱- سیستم قراردادهای خدماتی^۲

این گونه قراردادهای نیز که سابقه‌ی

به کارگیری آن به دهه‌ی ۶۰ میلادی بازمی‌گردد گونه‌ای کاملاً متفاوت از قراردادهای مشارکت در تولید هستند. قراردادهای خدماتی بر اساس انواع معافیت‌های غیررسمی از دیرباز به عنوان اشکال مختلف روابط قراردادی بین افراد در جوامع شناخته شده‌اند و در صنعت نفت و گاز نیز به دو شکل صرفاً خدماتی و خرید خدمات خطرپذیر رایج هستند.

۱-۳-۱- قراردادهای صرفاً خدماتی^۳

گونه‌ی ساده‌ی این نوع قراردادها به صورت پرداخت حق‌الزحمه‌ی مقطوع برای ارائه‌ی خدمات معین است که طی آن دولت میزبان مساعدت‌های فنی مورد نیاز کشورش را از شرکت‌های عامل خارجی دریافت کرده و هیچ سهمی از نفت خام تولیدی را برای آن پیش‌بینی نکرده است [۹].

در قراردادهای صرفاً خدماتی پاداش به صورت نقدی است اما جهت تشویق سرمایه‌گذار خارجی معمولاً تمهیداتی نظیر فروش قسمتی از نفت تولیدی به وی نیز پیش‌بینی می‌کنند.

این نوع از قرارداد که در اواسط دهه‌ی ۷۰ میلادی در ایران با شرکت فرانسوی آراپ منعقد شد در زمان خود خواهان فراوانی پیدا کرد. ولی اکنون شرکت‌های تراز اول و صاحب فن‌آوری‌های برتر، حاضر به عقد این گونه قراردادهای نیستند. لازم به یادآوری است که این قراردادهای فقط ویژه‌ی مرحله‌ی اکتشاف است [۱۰].

۲-۳-۱- قراردادهای خرید خدمات خطرپذیر^۴

این نوع قرارداد خدماتی نسبت به انواع دیگر آن کاربرد کمتری دارد و فقط زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که مقوله‌ی خطرپذیری مطرح باشد. در این قراردادهای بهره‌ی مالکانه و مالیات کمتر مورد توجه است، تمامی تولید در اختیار دولت میزبان قرار می‌گیرد و شرکت عامل بابت بازپرداخت

سرمایه یا از مبلغی مقطوع به همراه نرخ بهره و خطرپذیری برخوردار می‌شود یا بر مبنای درآمد حاصل، پس از کسر مالیات، سهمی از تولید را برمی‌دارد. اگر میدان نفتی کشف نشود قرارداد خودبه‌خود منتفی خواهد بود اما اگر نفت یا گاز کشف شود شرکت ملزم است آنرا به تولید برساند. دولت میزبان می‌تواند در صورت تمایل، خود تولید را بر عهده گیرد [۱۱].

۳-۳-۱- قراردادهای خدماتی بیع‌مقابل^۲

طبقه‌بندی بیع‌مقابل در ردیف قراردادهای خرید خدمت به این دلیل است که بازپرداخت اصلی و سود سرمایه‌گذاری از محل مایعات گازی، نفت خام و فرآورده‌های نفتی خواهد بود و امکان پرداخت نقدی و غیرنقدی وجود دارد. شرکت سرمایه‌گذار خارجی تمامی وجوه سرمایه‌گذاری مثل نصب تجهیزات، انتقال فن‌آوری و راه‌اندازی تجهیزات را برعهده می‌گیرد و پس از راه‌اندازی آنها را به کشور میزبان واگذار می‌کند. بازگشت سرمایه و همچنین سود سرمایه‌ی شرکت سرمایه‌گذار به شکل دریافت محصولات تولیدی خواهد بود. در حقیقت شرکت خارجی نقش پیمانکار را بر عهده دارد و وظیفه‌ی او تأمین تمامی سرمایه‌ی مورد نیاز عملیات اکتشاف و توسعه، نوسازی و بازسازی میادین است. پس از پایان دوره‌ی عملیات اجرایی پروژه، شرکت خارجی تولید را آغاز می‌کند اما مسئولیت کنترل بهره‌برداری، تأمین هزینه‌ها و عملیات جاری بر عهده‌ی کشور میزبان خواهد بود [۱۲].

در این سرمایه‌گذاری مشترک پیمانکار خارجی فاقد سهم است و به نسبت آورده‌ی خود و نرخ بازده سالانه‌ی آن که در قرارداد معین شده (نرخ بازده سالانه‌ی این سرمایه‌گذاری نیز متناسب با پروژه متغیر و معمولاً حدود ۲۰ درصد است که به صورت اقساط مساوی به پیمانکار پرداخت خواهد شد) و پس از پایان دوره‌ی پرداخت اصل،

بهره و سود سرمایه‌گذاری‌ها، پیمانکار هیچ‌گونه حقی در میادین نفت و گاز کشور میزبان نخواهد داشت. این‌گونه قراردادهای که در صنعت نفت رایج است معمولاً در کشورهایی که قوانین آنها هر گونه مالکیت بخش خصوصی یا خارجی را بر صنعت نفت ممنوع می‌کند منعقد می‌شود. شایان ذکر است پروژه‌های عملیات توسعه شبیه به پروژه‌های اکتشاف نیستند که با خطرپذیری و ریسک مخزن مواجه باشند. چراکه تمامی این پروژه‌ها در میادینی با ذخایر اثبات‌شده‌ی نفت و گاز اجرا می‌شوند و خطرپذیری قیمت نیز معمولاً به کشور میزبان منتقل شده است. دولت میزبان نیز پرداخت وجوه توافق شده در قرارداد را ضمانت کرده و در عوض بر اجرای فنی و مالی طرح نظارت می‌نماید [۱۳].

اهم مواردی که هنگام عقد این‌گونه قراردادهای خدماتی در چهارچوب بیع متقابل از نظر دولت میزبان لحاظ می‌شود عبارتند از:

الف) اعمال حق کنترل و نظارت فنی و مالی طرح و به‌دست گرفتن کامل کنترل تولید پس از اکتشاف و آغاز تولید توسط پیمانکار خارجی

ب) حاکمیت قوانین دولت میزبان بر قرارداد و همچنین بر موضوع حکمیت و حاکمیت دادن قوانین پولی خود بر روابط ارزی با پیمانکار خارجی

ج) انتقال فن‌آوری‌هایی که پیمانکار خارجی جهت تأسیس، راه‌اندازی و نصب تأسیسات خود اجرا می‌کند به‌داخل کشور میزبان و درج مواردهی در قرارداد در خصوص لزوم آموزش نیروی انسانی کشور میزبان به‌منظور آماده‌سازی جهت تحویل پروژه به نیروهای متخصص داخلی

د) دولت میزبان بازپرداخت اصل و بهره‌ی مبالغی که پیمانکار خارجی جهت سرمایه‌گذاری آورده و همچنین نرخ سودی که قبلاً در قرارداد توافق کرده‌اند را از محل تولید مخزن انجام خواهد داد و به این ترتیب از قبل هیچ‌گونه تضمین بانکی یا ضمانت دولتی در قرارداد لحاظ نمی‌کند [۱۴].

ه) دولت میزبان مزیت کارفرمایی خود را این‌گونه اعمال می‌کند که معمولاً در قرارداد خواستار به‌کارگیری منابع و امکانات داخلی تولیدی، مهندسی و ساختمانی و نیز استخدام ۳۰ درصد از کل نیروی انسانی مورد نیاز پروژه از افراد بومی با هدف ایجاد اشتغال می‌شود. دولت میزبان در مورد برداشت از مخزنی که مالکیت آنرا به عهده دارد با لحاظ کردن اصل حفظ مخزن، تقاضای تضمین بیشترین ضریب برداشت را در حد استاندارد دارد. در مقابل، پیمانکار خارجی نیز ضمن برخوردارگی از نرخ بازده سالانه‌ی سرمایه‌گذاری متناسب با پروژه و همچنین با اطمینان نزدیک به یقین از اکتشاف نفت، این‌گونه قراردادهای خرید خدماتی را در چهارچوب بیع متقابل منعقد می‌کند.

۲- اقسام قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران

به‌طور کلی می‌توان قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران را از ابتدا تا کنون به هفت دسته تقسیم کرد:

- قراردادهای استاندارد (معروف به دوران امتیاز تا ملی شدن صنعت نفت ایران)
- قراردادهای کنسرسیون (کنسرسیون نخست در سال ۱۳۳۳ معروف به ۵۰-۵۰ و کنسرسیون دوم در سال ۱۳۵۲ معروف به قرارداد تجدیدنظر در کنسرسیون نخست)
- قراردادهای مشارکت (معروف به ۲۵-۷۵)
- قراردادهای خرید خدمت (معروف به پیمانکاری)
- قرارداد فروش و خرید نفت ایران (معروف به کنسرسیون دوم در سال ۱۳۵۲)
- قراردادهای فروش مستقیم (معروف به پایاپای)
- قراردادهای بیع متقابل (معروف به بای‌بک)

۱-۲- قراردادهای امتیازی ۱۹۰۱

بر اساس نخستین قرارداد، در سال ۱۲۸۰ خورشیدی امتیاز تفحص (اکتشاف)، استخراج

(تولید)، حمل و نقل، فروش نفت و مشتقات آن و اجازهی انجام تمامی عملیات در سراسر کشور به جز پنج استان شمالی به مدت ۶۰ سال به ویلیام ناکس داریسی اعطا شد که این قرارداد تا ۱۳۱۱ ادامه داشت [۱۵]. به‌موجب این قرارداد دولت به‌عنوان مالک مخزن و میدان نفتی، مخزن را به شرکت واگذار می‌کرد و شرکت سرمایه‌گذاری، عملیات اکتشاف، توسعه، بهره‌برداری و بازاریابی را بر عهده می‌گرفت. در مقابل این هزینه‌ها شرکت سرمایه‌گذار، نفت تولیدی را به‌فروش رسانده و از درآمد آن، بهره‌ی مالکانه، حق الارض و درصدی از درآمد خالص را به‌عنوان مالیات به دولت می‌پرداخت.

در این قرارداد شرکت عامل، مالکیت، حاکمیت و تصدی‌گری را عهده‌دار است و در طول تمامی دوران این قرارداد امتیازی، شرکت نفت انگلیس و ایران به‌عنوان شرکت عامل فعالیت می‌کرد. طبق قرارداد داریسی ۱۶ درصد از منافع خالص شرکت به ایران پرداخت می‌شد. در سال ۱۳۱۱ این قرارداد به‌طور یک‌جانبه توسط دولت ایران لغو شد و یک سال بعد قرارداد امتیازی دیگری به‌جای آن امضاء و مبادله گردید [۱۶].

در مقابل، شرکت عامل بر اساس امتیاز، پرداخت را بابت نفت و گاز تولیدی و به‌دو نوع مختلف به صاحب مخزن انجام می‌دهد؛ یکی پرداخت حق الارض یا بهره‌ی مالکانه و دیگری درصدی از درآمد خالص در قرارداد امتیازی. ذخایر نفت و گاز و تمامی تولید به شرکت عامل متعلق بوده و در دوره‌ی امتیاز، این شرکت بر تمامی عملیات حاکمیت دارد. در قرارداد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳ میلادی) به‌علت تغییر سیستم، درآمد دولت ایران عبارت بود از ۴ شیلینگ انگلیس به‌ازای هر تن نفت صادراتی به اضافه‌ی ۲۰ درصد سود سهام.

۲-۲- قرارداد کنسرسیون نخست

این قرارداد پس از ملی شدن صنعت نفت که بر مبنای حاکمیت، مالکیت و تصدی‌گری ملت بر تمامی تأسیسات و مخازن نفتی

به تصویب رسیده بود و متعاقب کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مورد بهره‌برداری از منابع نفت ایران، بین شرکت ملی نفت و کنسرسیومی مرکب از هشت شرکت بزرگ نفتی که با یکدیگر کنسرسیومی بین‌المللی را تشکیل داده بودند به امضاء رسید. این هشت شرکت شامل پنج شرکت آمریکایی (که بعداً تعداد آنها به هفده شرکت با ۴۰ درصد سهام افزایش یافت)، شرکت انگلیسی بریتیش پترولیوم با ۴۰ درصد سهام، شرکت هلندی-انگلیسی شل با ۱۴ درصد سهام و شرکت سی‌اف‌پی فرانسه با ۶ درصد سهام بودند. مدت این قرارداد ۲۵ سال و برای سه دوره‌ی پنج ساله‌ی ذکر شده قابل تمدید بود [۱۷]. اهم رؤس این قرارداد به شرح زیر بود:

(الف) واگذاری حق اکتشاف، استخراج، تصفیه و حمل و نقل در حوزه‌ی قرارداد و اعطای حق استفاده‌ی قسمتی از اموال و دارایی موجود در این حوزه

(ب) تشکیل دو شرکت به نام شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران و شرکت تصفیه نفت ایران به عنوان شرکت‌های عامل نفت کشور (که در هلند به ثبت رسید) و عضویت دو نفر ایرانی در هیأت مدیره‌ی هر یک از این شرکت‌ها جهت انجام وظایف

(ج) تقسیم ۵۰-۵۰٪ منافع و احتساب آن بر مبنای بهای اعلام‌شده‌ی نفت در خلیج فارس. حاکمیت کامل فروش و تولید در دست اعضای کنسرسیوم بود و طبق ماده‌ای از قرارداد، درآمد ایران طوری بود که می‌توانست تا معادل ۴ برابر قبل از ملی شدن نفت برسد. علاوه بر آن توافق شد ۱۲/۵ درصد قیمت اعلام‌شده‌ی فروش نفت خام صادراتی به عنوان حق الارض به ایران پرداخت گردد.

(د) تعهد شرکت‌های عامل نفت ایران به تأمین تمامی مواد نفتی مورد نیاز مصرف داخلی کشور، فروش آن به بهای تمام شده به شرکت ملی نفت ایران و احاله‌ی انجام عملیات غیرصنعتی از قبیل بهرداری، منازل، ساختمان، آموزش، حفاظت، حمل و نقل، خواربار، امور اجتماعی و ... به شرکت ملی

نفت ایران و با هزینه‌ی عمومی شرکت‌های عامل

در قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳، درآمد دولت عبارت بود از ۵۰ درصد قیمت اعلام‌شده منهای هزینه‌ی تولید از هر بشکه نفت صادراتی.

۲-۳- قراردادهای مشارکت

طی ۱۰ سال بعد از زمان عقد قرارداد کنسرسیوم، به دلیل اینکه برخی کارشناسان نفتی از قرارداد الحاقی شماره‌ی ۱۰ ناراضی بودند و انعقاد قراردادهایی به این شکل را منطقی نمی‌دانستند، راه‌حل جدیدی جهت عبور از چارچوب قراردادهای سنتی امتیازی و رسیدن به نوع جدیدی از قرارداد به نام مشارکت پیشنهاد کردند. در قراردادهای امتیازی سابق سرمایه‌گذار تمامی هزینه‌ها را تقبل می‌کرد و در طول مدت امتیاز، مخازن نفت و گاز، تولید، اکتشاف، بهره‌برداری، حاکمیت و فروش آن متعلق به همان سرمایه‌گذار بود. همچنین سرمایه‌گذار جهت اجرای این موارد شرکت عاملی تأسیس می‌کرد که عملیات امور نفت را در اختیار آن قرار می‌داد. اما دولت امتیازدهنده هیچ‌گونه اختیاری نداشت. در این گونه قراردادهای مشارکت، حقوق مالکانه متعلق به دولت بوده و شرکت خارجی مکلف به پرداخت مالیات و آموزش نیروی انسانی است [۱۸].

نخستین قرارداد مشارکت در ایران یک ماه پس از تصویب قانون نفت ۱۳۳۶ با شرکت ایتالیایی آجیب میناریا منعقد شد و به موجب آن طرفین با سرمایه‌ی مساوی شرکتی ایرانی به نام شرکت نفت ایران و ایتالیا سیرپرا تأسیس کردند. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۴ قراردادهای مشارکت دیگری منعقد شد که در این آنها، سهم ایران تا ۷۵ درصد قیمت اعلام‌شده منهای هزینه‌ی هر بشکه نفت صادراتی تعیین گردید.

۲-۴- قراردادهای خرید خدمت معروف به پیمانکاری

در سال ۱۳۴۵ نخستین قرارداد خرید

خدمت بین شرکت ملی نفت ایران و گروه فرانسوی اراپ منعقد شد. طی این قرارداد مؤسسه‌ی اراپ خدمات مالی، فنی و بازرگانی لازم را به نفع شرکت ملی نفت انجام می‌داد. عملیات اجرایی بر عهده‌ی شرکتی فرعی و غیرانتفاعی به نام شرکت فرانسوی نفت ایران (سوفیران) بود که شرکت نفت ایران آنرا به عنوان پیمانکار کل و انحصاری خود منصوب می‌کرد. در این گونه قراردادهای مشارکت در صورتی که نفت به مقدار اقتصادی کشف نشود بازپرداخت هزینه‌ها توسط شرکت ملی نفت ایران میسر نخواهد بود. اما در صورت کشف میدان با تولید اقتصادی تمامی هزینه‌های عملیات، منظور شده و به پیمانکار مسترد می‌شود. در قراردادهای خدمت یا پیمانکاری مانند قرارداد شرکت فرانسوی اراپ بیش از ۹۰ درصد درآمد به ایران تعلق می‌گرفت که در قیاس با سایر اشکال قبلی متضمن منافع بیشتری برای کشورمان بود.

۲-۵- قرارداد کنسرسیوم دوم فروش و خرید نفت ۱۳۵۲ خورشیدی

قبل از پایان مدت قرارداد کنسرسیوم که قبلاً در سال ۱۳۳۳ منعقد شد و تحمیل آن بر مردم ایران با مخالفت و فشار بیگانگان و اینکه به دلیل شکست نهضت ملی شدن نفت، کشور به ناچار تا ۱۹۷۳ میلادی آنرا پذیرفته بود و عمل می‌کرد، طی دو این دهه تحولات زیادی در نحوه‌ی عقد قراردادهای نفتی کشورهای هم‌جوار به وقوع پیوسته بود که با تأسیس سازمان اوپک در ۱۹۶۰، این سازمان حق قیمت‌گذاری نفت را به جای شرکت‌های نفتی به کشورهای تولیدکننده داد. پس از آن قیمت نفت خام با توجه به شرایط بازار، میزان تقاضا و امکان تولید کشورهای مصرف‌کننده در اجلاس‌های کنفرانس اوپک تعیین می‌شد. بنابراین پس از آنکه کنسرسیوم طرف قرارداد با ایران طبق مفاد قرارداد ۱۳۳۳ ناحیه‌هایی از مناطق قبلی مشمول را به ایران مسترد کرد، دولت، قراردادهای بسیار مطلوب‌تر و با

درآمد بیشتری را با سایر شرکت‌ها امضاء نمود. همچنین با توجه به فضای مثبت حاکم بر جهان آن دوران دولت ایران توانست با همان شرکت‌های بین‌المللی عضو کنسرسیوم، قرارداد فروش جدیدی به نام قرارداد فروش و خرید نفت به مدت ۲۰ سال و با شرایطی جدید منعقد کند. این قرارداد که در حقیقت نوعی تجدید نظر در کنسرسیوم نخست بود در تاریخ ۱۳۵۲/۰۵/۰۹ به تصویب نهایی دو مجلس رسید و در نتیجه‌ی آن حاکمیت، مدیریت و مالکیت به شرکت ملی نفت ایران واگذار شد. از جمله تغییرات حاصل می‌توان به کاهش ناحیه‌ی قرارداد به میزان یک سوم، احاله‌ی اداره‌ی پالایشگاه آبادان به شرکت ملی نفت ایران و طراحی و برنامه‌ریزی عملیات سالانه‌ی تولید و صدور نفت اشاره کرد. زیرا از آن پس مسئولیت این امور بر عهده‌ی شرکت ملی نفت قرار داده شد.

۲-۶- قراردادهای فروش مستقیم نفت (معروف به پایپای)

شرکت ملی نفت ایران مانند هر صاحب مخزنی از ابتدا علاقه داشت مستقیماً اختیار فروش و عرضه‌ی نفت خود را داشته باشد. در این زمینه برای نخستین مرتبه در ۱۳۴۶ که روابط کشورمان با کشورهای اروپای شرقی توسعه یافت اعضای کنسرسیوم موافقت کردند حدود ۲۰ میلیون تن نفت خام در اختیار این شرکت بگذارند تا آنرا برای مدت پنج سال جهت معاملات تهارتری با کشورهای اروپای شرقی استفاده کند. سپس در ۱۳۵۲ نیز با توجه به عقد قرارداد فروش و خرید نفت ۱۳۵۲ روزانه حدود ۲۰۰ هزار بشکه نفت خام در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار داده شد که در ۱۳۵۷ این سهمیه به حدود ۹۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. دلیل این افزایش نیز عملی نشدن تعهدات کنسرسیوم از ۱۳۵۵ به بعد بود. بنابراین صادرات مستقیم شرکت ملی نفت از مقدار پیش‌بینی شده بیشتر شد. اهم قراردادهای فروش مستقیم به شرح زیر است:

الف) قرارداد فروش نفت خام به هندوستان و آفریقای جنوبی جهت مصرف پالایشگاه‌های مدرس هند و سالزبورگ آفریقای جنوبی که ایران در این پالایشگاه‌ها سرمایه‌گذاری کرده بود.

ب) تحویل نفت خام به رژیم اشغالگر قدس و نیز اختصاص مقادیری برای عبور از خط لوله‌ی ترانزیت اسرائیل که ایران نیز در احداث آن مشارکت داشت.

ج) فروش نفت خام به پنج کشور اروپای شرقی در چهارچوب قراردادهای بازرگانی که پرداخت‌های این معاملات اغلب به شکل تهارتری بود.

د) فروش نفت خام به شرکت نفت یوگسلاوی در ازای اجرای پروژه‌ی دستگاه تقطیر لاوان

ه) تعهدات فروش نفت خام به شرکت‌های مختلف جهان در ازای اجرای طرح‌های صنعتی از قبیل فولاد در بندرعباس و نیروگاه‌های اتمی

و) تعهدات فروش نفت خام در ازای خریدهای وزارت جنگ از قبیل هواپیماهای جنگی، هلی‌کوپترها و سایر ادوات جنگی

لازم به ذکر است پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمامی قراردادهای سابق کان‌لم‌یکن اعلام شده، فروش نفت خام کلاً در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار گرفت و این شرکت با فروش نفت خام تک‌محموله و قراردادهای کوتاه‌مدت (حداکثر ۹ ماهه) عملیات صادرات را انجام داد.

۲-۷- قراردادهای خدماتی بیع متقابل نفت

در این نوع قراردادهای که عموماً در دسته‌ی قراردادهای خرید خدمت طبقه‌بندی می‌شوند، شرکت سرمایه‌گذار خارجی تمامی وجوه سرمایه‌گذاری مثل نصب تجهیزات، راه‌اندازی و انتقال فن‌آوری را برعهده گرفته و پس از راه‌اندازی به کشور میزبان واگذار می‌کند. بازگشت سرمایه و همچنین سود سرمایه‌ی شرکت سرمایه‌گذار

از طریق دریافت محصولات تولیدی انجام می‌شود [۱۹].

بازپرداخت اصلی و سود سرمایه‌گذاری از محل مایعات گازی، نفت خام و فرآورده‌های نفتی است و امکان پرداخت نیز هم به صورت نقدی و هم به صورت غیرنقدی وجود دارد. مهم‌ترین ویژگی‌های این گونه قراردادهای به شرح زیر است:

■ شرکت‌های خارجی پیمانکار هستند و وظیفه‌ی تأمین تمامی سرمایه‌ی مورد نیاز را بر عهده دارند.

■ بازپرداخت تمامی مخارج و هزینه‌هایی که پیمانکار در طول پروژه تقبل کرده به همراه بهره‌ی سرمایه‌های استفاده شده و همچنین نرخ توافق شده، از محل درآمد حاصل از فروش نفت یا گاز خواهد بود.

■ نرخ بازده سالانه‌ی سرمایه‌گذاری که متناسب با پروژه متغیر است (معمولاً ۲۰ درصد)، طی اقساط مساوی به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد.

■ پس از پایان دوره‌ی پرداخت اصل، بهره و سود سرمایه‌گذاری‌ها، پیمانکار هیچ‌گونه حقی در میادین نفت و گاز کشور میزبان ندارد.

■ پس از پایان دوره‌ی عملیات اجرایی پروژه، راه‌اندازی و آغاز تولید، کشور میزبان کنترل عملیات را بر عهده خواهد گرفت و مسئول تأمین هزینه‌ی عملیات جاری خواهد بود.

■ پیمانکار خارجی در این سرمایه‌گذاری‌های مشترک فاقد سهم است.

■ پروژه‌ها فاقد خطرپذیری اکتشافند؛ زیرا همگی در میادینی با ذخایر اثبات‌شده‌ی نفت و گاز به اجرا درخواهند آمد. افزون بر این، خطرپذیری قیمت به کشور میزبان منتقل شده و میزبان پرداخت و جوه توافق شده را تضمین کرده است.

نتیجه‌گیری

اینکه چه نوع قراردادی و با چه شرایطی بتواند منافع هر یک از طرفین قرارداد را

ویژه‌ای دارند. گاهی بی‌توجهی یا برعکس؛ اصرار برای دستیابی به یک هدف ممکن است احتمال دستیابی به هدفی دیگر را کاهش یا افزایش دهد.

■ نرخ‌های توافق‌شده در هر قرارداد نفتی متأثر از مؤلفه‌های واقعی از جمله شرایط بازار جهانی نفت و انتظارات نسبت به آن و نرخ‌های خطرپذیری اکتشاف و تولید و تجارت خواهد بود. بنا به این دلایل شرایطی مثل عضویت در کنوانسیون‌های پذیرفته‌شده‌ی جهانی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری و حتی مشارکت و حضور فعال در سطح پیمان‌های منطقه‌ای نیز به دلیل اعتبار یافتن آن دولت در سطح بین‌المللی، نرخ‌های مذکور در قراردادهای نفتی را به شدت به سود دولت میزبان تعیین می‌کند. این مهم در نهایت به نفع مردم آن کشور است و در بردارنده‌ی منافع ملی و در نتیجه رسیدن به رشد و توسعه‌ی اقتصادی و رفاه کلی یعنی همان تحقق اهداف اصلی قانون اساسی می‌باشد. ■

قرارداد برای طرفین می‌شود نرخ‌های مورد توافق مندرج در قرارداد است و همان‌گونه که گفته شد هیچ قراردادی را نمی‌توان فقط به دلیل نوع یا چارچوب آن خوب یا بد دانست.

■ ضعف یا قوت قوانین داخلی، فرسوده یا پیشرفته بودن مجموعه‌ی بروکراسی اداری، حضور یا عدم حضور فعال در سطح مجامع معتبر بین‌المللی و آشنایی یا بیگانگی بودن با واقعیات روز اقتصاد جهانی که عدم اعتماد سرمایه‌گذار به دلیل فقدان امکانات سالم سرمایه‌گذاری مالی را در پی خواهد داشت، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر انتخاب چارچوب قراردادهای در کشورهای نفت‌خیز دارد.

■ نظام حقوقی صحیح و وجود زمینه‌های نظارت قانونی برای حفظ و توسعه‌ی سالم منابع در برقراری امنیت سرمایه در کشور میزبان تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر انتخاب انواع و چگونگی درج شرایط بهینه در قراردادهای دارد. ■ هر یک از قراردادهای نقاط قوت و ضعف

تأمین‌کننده عوامل متعددی بستگی دارد که قرارداد، محصول این عوامل متعدد است. شرکت‌های نفتی و کشورهای میزبان با توجه به شرایط متفاوت، علاقه‌مندی خود را به انعقاد یکی از انواع متفاوت قرارداد نشان می‌دهند. اما گرایش به عقد هر نوع قرارداد لزوماً به معنای انتخاب بهترین نوع قرارداد نیست.

اینکه دولت صاحب نفت از چه مناسبات سیاسی و اقتصادی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل برخوردار است و همچنین قوانین داخلی کشور میزبان انعقاد کدام یک از انواع قرارداد را ممکن دانسته و از عقد کدام یک از انواع قراردادهای ممانعت به عمل می‌آورد در انتخاب نوع قرارداد بسیار مؤثر است.

در پایان با توجه به آنچه گفته شد به طور کلی می‌توان مطالب مهم مطرح‌شده در مورد قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز سراسر جهان را از منظر نظام حقوقی در پنج مؤلفه بیان کرد:

■ آنچه سبب رضایت‌بخش بودن یک

پانویس‌ها

¹ Concessionary Systems

² Production Sharing

³ Joint Venture

⁴ Service Contract

⁵ Contracts Pure Service

⁶ Risk Service Contract

⁷ Buy Back

منابع

- [1] Smith, E., "From Concessions To Service Contracts", Tulsa Law Review, Volume 27, 1992, P 493.
- [2] Suleiman, Atef, "The Oil Experience Of The Middle East Emirates", 6 J. ENERGY & NAT. RESOURCES L. 1, 3 (1988) P 45.
- [3] Johnston, D. "International Petroleum Fiscal Systems & Production Sharing Agreements", USA: Pennwell Pub, 2003, P 9.
- [4] Kirsten Bindemann, "Production-Sharing Agreements: An Economic Analysis", Oxford [4] Institute For Energy Studies, October 1999, P 13.
- [5] Hammerson, M., "Production Sharing Contracts: An Analysis Of Comparative Practice In Certain African Jurisdictions", Kenya, Present In UN Conference On Trade & Development- Nairobi, Stephenson Harwood Pub, 2007, P55.
- [6] Talal Al-Emad, "Joint Venture Contracts (Jvcs) Among Current Negotiated Petroleum Contracts: A Literature Review Of Jvcs Development, Concept And Elements", 2011, P 675.
- [7] Ibid, P 677.
- [8] Ibid, P 679.
- [9] Abbas Ghandi, C.Y. Cynthia Lin, "Oil And Gas Contract Around The World: A Review", 2013 STEM Seminar, May 2013, P 10.
- [10] Ibid, P 12.
- [11] Ibid, P 15.
- [12] Groenendaal, Willem J.H. Van, Mohammad, Mazraati, "A Critical Review Of Iran's Buyback Contracts", Energy Policy, 34, (2006), 3709-3718.
- [۱۳] حسن بیگی، ابوالفضل، نفت، بای‌بک و منافع ملی، تهران: انتشارات نوای آوا (۱۳۸۱)، صفحه‌ی ۱۲
- [14] Shiravi, Abdolhossein and Ebrahimi, SeyedNasrollah, "Exploration and Development of Iran's Oil Fields through Buy-Back", Natural Resources Forum 30, Blackwell Publishing Ltd, 2006, p 87.
- [۱۵] مجموعه‌ی قوانین نفت، گاز و پتروشیمی، امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران، بهمن ماه ۱۳۸۱، ج ۱، صفحه‌ی ۱۶
- [۱۶] همان، ۲۳
- [۱۷] نگاهی به مسیر تحول صنعت نفت ایران، مجله‌ی اطاق بازرگانی صنایع و معادن ایران سال چهارم، شماره‌ی ۱۲، صفحه‌ی ۵۶
- [18] Groenendaal, Willem J.H. van, Mohammad, Mazraati, "A Critical Review of Iran's Buyback Contracts", Energy Policy, 34, (2006), 3709-3718.
- [۱۹] مجله‌ی نفت، گاز و پتروشیمی شماره‌ی ۱۱، شهریور ماه ۱۳۸۰، صفحه‌ی ۳۷